

## بسم الله الرحمن الرحيم

### نگاهی به مفهوم نصر (پیروزی)

#### (ترجمه)

بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌ها پیرامون نصر (پیروزی) از زاویه‌های مختلف بحث نموده‌اند؛ گاهی پیرامون پیروزی، دلایل و شرایط آن حرف می‌زنند و گاهی پیرامون به تأخیر افتیدن آن و گاهی هم از بشارت‌ها و نزدیکی تحقق یافتن آن و ... من با تکرار آن چه که پیرامون این موضوعات گفته و یا نوشته شده است، چیزی جدیدی نمی‌افزایم؛ مگر این‌که من فقط دو نکته را توضیح می‌دهم، به دلیل این‌که این دو نکته بطور کافی مورد توجه قرار نگرفته است و آن دو قرار ذیل اند:

الف) پیروزی و گشایش بدون مقدمات (پیش‌زمینه) حصول می‌گردد - و این جالب‌ترین قضیه در پیروزی است.

ب) در قدم نخست پیروزی و گشایش بخاطر - ثبات و قوت - دین می‌باشد؛ نه بر اساس نیازهای تعیین شده از سوی افراد.

پیروزی و گشایش بدون مقدمه و پیش‌زمینه صورت می‌گیرد؛ بلکه کاملاً بر عکس این. گاهی رویدادها و دست‌آوردها و پیش‌زمینه‌ها دائم مزده دهنده‌ی خیر و خوبی نیست، مثال‌های زیادی بر صدق این مسئله وجود دارد، از جمله: در سال دهم بعثت، کاکای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مُرد. او کسی بود که وی را در مقابل قریش حمایت و پشتیبانی می‌نمود و در همان سال همسر او، خدیجه - رضی الله عنها - که وی را یاری و معاونت می‌کرد، وفات نمود؛ بعد از آن به طائف رفت، از آن جا طرد، لت و کوب گردید و او را خون آلود نمودند. سپس حادثه اسراء و معراج رخ داد؛ قریش او را تکذیب نمودند و برخی از کسانی که اسلام آورده بودند، مرتد شدند. این حالت نمایان بود و گویا که اوضاع از بد، بد تر می‌شد؛ مگر این‌که در سال دوازدهم بعثت با واقع شدن بیعت اول عقبه و به دنبال آن بیعت دوم عقبه و تأسیس شدن دولت اسلامی در مدینه منوره، گشایش آغاز گردید و با این کار، حالت رسول الله صلی الله علیه وسلم - در ظرف چند ساعت از مرد دعوت‌گر مظلوم به مرد دولت‌مند عوض گردید.

برادران یوسف علیه السلام بر ضد وی توطئه کردند و او را در چاه افکندند، سپس داستان پیچیده شد؛ یوسف همانند کالا/جنس خرید و فروش می‌گردید؛ سپس کار پیچیده‌تر شد و خادم عزیز مصر گردید؛ سپس از این هم بیشتر پیچیده‌تر گردید و زندانی گردید... اما بعد از تمام این امور، گشایش فرود آمد و یوسف - علیه السلام - عزیز مصر گردید. در ارتباط قصه یوسف علیه السلام در می‌یابیم که تأیید کننده‌ی این امر است که گشایش بدون مقدمه و پیش‌زمینه صورت می‌گیرد، در این فرموده الله متعال، تأمل بفرمایید:

﴿ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعَ شِدَاذٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ \* ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ﴾

[یوسف: 48-49]

ترجمه: پس از آن (سال‌های خوش) هفت سال سخت در می‌رسد و (قحطی می‌شود و این سال‌های سخت) آنچه را که به خاطرشان اندوخته‌اید، از میان برمی‌دارند، مگر مقدار کمی را (که برای بند) محفوظ می‌نمایند. سپس، بعد از آن (سال‌های خشک و سخت)، سالی فرا می‌رسد که باران‌های فراوان برای مردم باراننده و به فریادشان رسیده می‌شود و در آن شیره (انگور و زیتون و دیگر میوه‌ها و دانه‌های روغنی) را می‌گیرند (و به نعمت و خوشی می‌افتند).

اما این که پیروزی و گشایش برای -ثبات و قوت- دین می باشد؛ نه بر اساس نیازمندی های آن که افراد آن را تعیین می کنند، هم چنان مثال های این بسیار است؛ از جمله:

1- فرموده الله سبحانه و تعالی برای پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم: ﴿فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ﴾. [غافر: 77] ترجمه: این عذاب را که ایشان را بدان وعده داده ایم، یا قسمتی از آن را به تو می نمایانیم (و در روزگار حیات تو انجام می پذیرد) یا این که تو را می میرانیم و (تو آن را نخواهی دید. چه آن را ببینی و چه آن را نبینی مهم نیست؛ چرا که) به سوی ما برگردانده می شوند.

پس ضرور نیست که هر یک شخص وعید/عذاب را مشاهده نماید که از سوی الله به کافران وعده داده شده است. به عنوان مثال، واقعیت سمیه و خدیجه -رضی الله عنهما- بر این امر مطابقت می نماید؛ زیرا آن ها به رحمت حق پیوستند و پیروزی و قدرت مندی دین را ندیدند.

2- سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم به خباب ابن ارت رضی الله عنه هنگامی که نزد او آمد و طلب کمک و پیروزی نمود، پیامبر صلی الله علیه وسلم در جوابش گفت: «قسم به الله! این دین به اکمال خواهد رسید.» رسول الله صلی الله علیه وسلم به خباب به عنوان یک شخص، وعده پیروزی نداد؛ بلکه مژده به قدرت مندی دین را داد.

در خاتمه باید گفت که شناخت و طلب هدایت شدن به راه راست و درست و ثبات بر آن، مهم تر از کسب پیروزی است. الله متعال به زبان موسی علیه السلام گفت: ﴿كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَمَّيْتِينِ﴾ [الشعراء: 62] ترجمه: چنین نیست. پروردگار من با من است. (قطعاً به دست دشمنم نمی سپارد و به راه نجات) رهنمود خواهد کرد! و نگفت: «مرا یاری خواهد نمود.»

الله متعال فرموده است: ﴿رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ [الکہف: 10] ترجمه: پروردگارا! ما را از رحمت خود بهره مند، و راه نجاتی برایمان فراهم فرما! به همین دلیل است که در هر رکعت می گوئیم: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ ما را به راه راست هدایت فرما!

ثبات و استقامت، ثبات به طریقه شرعی است که به اذن الله متعال ما را به هدف خواهد رسانید؛ گرچند وقت زیادی را در برگیرد. بدانید که پیروزی همانند جنین، موعد پیدایش و خروج دارد، اگر قبل از فرا رسیدن موعد ظاهر و نمایان گردد یا مرده متولد می شود یا ضعیف.

نویسنده: جابرابو خاطر

برای رادیوی دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

23 جمادی الثانی 1441 هـ ق

17 فبروری 2020 م

مترجم: حمزه "پارسا"